

نقش منازعات مذهبی در تضعیف اقتصادی پیشه‌وران بغداد در قرون چهارم و پنجم ه.ق

مقصود علی صادقی گندمانی، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)*
کامران حماني، دانش آموخته دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

محلات شهری با ویژگی‌های خاص خود در دوره اسلامی متأثر از عوامل متعددی تشکیل می‌شدند. یکی از مهم‌ترین این عوامل، افتراق یا اتحاد مذهبی ساکنان یک محله با بازاریان و متولیان مذهبی در محلات شهری بود. به بیانی بهتر پیروان هر مذهب در محله خاص خود زندگی می‌کردند و محل زندگی آن‌ها با محل کسب‌وکار پیشه‌وران و صاحبان حرف هم‌مذهبشان، وحدت جغرافیایی داشت. نزدیکی پیشه‌وران با محافل و متولیان مذهبی در شهرها در کنار برخی دلایل دیگر، منجر به آن شد که به‌طور مستمر نقش مذهب در مناسبات اقتصادی و فرهنگی پیشه‌وران، برجسته‌تر و پررنگ‌تر شود. به تبع همین مسئله، صف‌بندی‌های مبتنی بر عامل مذهب، در محلات مختلف و بازارهای آن‌ها تشکیل شد و کم‌کم دامنه عملی به خود گرفت. این تنازعات فرقه‌ای در طول زمان، نتایج زیان‌بار اقتصادی و جانی فراوانی به‌ویژه برای پیشه‌وران به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی آن عصر به بار آورد. با توجه به اهمیت این مسئله در اقتصاد جوامع اسلامی، پژوهش حاضر با مطالعه موردی شهر بغداد به‌ویژه محله کرخ آن به دنبال پاسخ به این پرسش است که منازعات مذهبی چه نقشی در تضعیف اقتصادی و سیاسی پیشه‌وران بغداد در قرون چهارم و پنجم هجری در مقابل حکومت داشته است؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که منازعات فرقه‌ای در بغداد به دلیل آتش‌سوزی بازارها، کشتار نیروهای ماهر پیشه‌ور و غارت مغازه‌ها و اموال پیشه‌وران موجب تضعیف اقتصادی طبقه بازاریان و نابودی برخی کسب‌وکارها شده است که در نهایت این عوامل موجب تضعیف پیشه‌وران در مقابل حکومت نیز شده است. این پژوهش درصدد است با رویکردی توصیفی تحلیلی، به واکاوی داده‌های تاریخی پیرامون نقش منازعات مذهبی در تضعیف اقتصادی پیشه‌وران بغداد در قرون چهارم و پنجم بپردازد.

واژگان کلیدی: منازعات مذهبی، پیشه‌وران، بغداد، خسارات اقتصادی، قرن چهارم و پنجم.

مقدمه

دین و مذهب به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه هویتی گروه‌های اجتماعی و عامل همبستگی اجتماعی، از مهم‌ترین فاکتورهای دسته‌بندی، ستیزه‌جویی و کشاکش در شهرهای دوره اسلامی نیز بوده است. به‌بیان‌دیگر در شهرهای اسلامی پیروان مذاهب اصلی تسنن (شافعی، حنبلی، حنفی و مالکی) و فرقه‌های کرامیه، معتزله، اسماعیلیه و همچنین مذاهب شیعی، هریک از منظری و بنابه دلایلی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی داشتند. هر فرقه معمولاً در محله‌ای سکونت داشت و برای خود بازارچه و مسجد داشت. وجود فرقه‌های مختلف در شهرها غالباً زمینه‌ای مناسب برای بروز اختلافات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی زیر عنوان تضادهای مذهبی فراهم می‌کرد. صاحبان اصناف و پیشه‌های مختلف نیز هریک متناسب با مذهب و اعتقادات خود پیرو یکی از این مذاهب بودند و بالطبع وارد منازعات مذهبی فرقه متبوعشان می‌شدند. این مسئله همراه با مجموعه عواملی دیگر به تضعیف اقتصادی پیشه‌وران در مقابل دولت‌ها دامن می‌زد. از سوی دیگر در طول تاریخ ایران و اسلام، قشرها و جمعیت‌های شهری، بنا به دلایلی که مجال شرح آن نیست هیچ‌گاه نتوانسته‌اند به‌صورت پایدار حکومت مرکزی را در دست بگیرند. اختلافات مذهبی طبقات شهرنشین و بخصوص اصناف را یکی از دلایل عمده این موضوع می‌توان قلمداد کرد چراکه مانع از اتحاد اصناف در برابر حکومت و درنهایت قدرت‌گیری آن‌ها شده است.

هدف پژوهش حاضر این است که نقش منازعات مذهبی را در تضعیف اقتصادی پیشه‌وران بغداد تبیین کند لذا منازعات فرقه‌ای که ارتباطی با پیشه‌وران و بازارهای بغداد ندارد، موردتوجه نیست. در ارتباط با پژوهش حاضر می‌توان به پژوهش‌های پیش رو به‌عنوان پیشینه موضوع اشاره کرد. کتاب «اصناف در عصر عباسی» تألیف صباح ابراهیم الشیخلی به بررسی وضعیت پیشه‌وران در این دوره، سلسله‌مراتب صنف‌های مختلف، ارتباط اصناف با حکومت و مسئله مالیات‌ها پرداخته است. کتاب «بغداد» نوشته عبدالعزیز الدوری ضمن بررسی تاریخ شهر بغداد، اشاراتی نیز به منازعات مذهبی فرق مختلف اسلامی کرده است. کتاب «منازعات مذهبی بغداد در عصر خلافت عباسی» از منصوره کریمی قهی، کتاب «زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد» نوشته حسن موسوی، کتاب «شیعیان بغداد: وضعیت سیاسی اجتماعی از ورود سلجوقیان تا سقوط خلافت عباسی» اثر محمد طاهر یعقوبی، پایان‌نامه پایان‌نامه «تأثیر منازعات فرقه‌ای بر تحول مذهبی در ایران از امام الحرمین جوینی تا خواجه نصیر طوسی» نوشته محمدرضا قلی زاده، پایان‌نامه «بررسی همگرایی و واگرایی اشاعره، حنابله و معتزله در

دوره سلجوقی در بغداد» از کوهسار نظری، مقاله محله کرخ و نقش آن در منازعات سیاسی و مذهبی بغداد در قرون چهارم و پنجم هجری از محمدقاسم احمدی، مقاله «نقش حنابله در منازعات مذهبی بغداد در قرن سوم تا پنجم هجری» از احسان یگانه، مقاله «کرخ بغداد، پایگاه تشیع در سده‌های چهارم و پنجم هجری» نوشته محمدقاسم احمدی، مقاله «منازعات حنابله با شیعه امامیه در عصر سلجوقی» از علی محمدی و مقاله «تاریخ اجتماعی شیعیان بغداد» نوشته محمد احسانی از جمله تحقیقات جدیدی است که در زمینه منازعات مذهبی بغداد انجام شده است. با وجود اشارات گذرایی که در این تحقیقات به منازعات مذهبی مرتبط با پیشه‌وران شده است، اما در زمینه‌ی موضوع پژوهش حاضر به صورت مشخص اثری به انتشار نرسیده است.

۱. ترکیب مذهبی محلات بغداد

در رویکرد تاریخی - اجتماعی، محله‌های شهری با ویژگی‌های کالبدی، جغرافیایی، مذهبی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مخصوص خود و متمایز از دیگر واحدهای شهری و روستایی قابل تعریف هستند، بی‌آنکه مرز کالبدی - اداری آن‌ها با عوارضی چون حصار یا حدود تعریف شود. به همین دلیل می‌توان با توجه به این ویژگی‌ها، محله‌ها را از دیگر واحدها بازشناسی و مختصات و ویژگی‌هایشان را تعریف کرد (باستانی راد، ۱۳۹۱: ۵). پیش از ظهور اسلام، پیروان ادیان مختلف در عربستان جدا از اعراب می‌زیستند که یک نمونه مشهود آن را می‌توان در وضعیت زندگی قبایل سه‌گانه یهودی در آستانه ورود پیامبر اسلام به مدینه مشاهده کرد. این قبایل در قلاع مخصوص خود در اطراف این شهر سکونت داشتند. اما با ظهور اسلام و سیاست‌های مجریان آن از یک سو و افزایش روزافزون شمار مسلمانان در پی وسعت قلمرو اسلام از سوی دیگر، کم‌کم نظم پیشین تا حدودی تغییر کرد. همین مسئله منجر به آن شد عواملی مانند مناسبات قبیله‌ای، عصبیت قومی و خونی، ترکیب جمعیتی جدید، اقتضانات نظامی، منافع سیاسی و... نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری محلات شهرها ایفا کنند این مسئله به خصوص در شهرها و مناطق نزدیک به محمل ظهور اسلام یعنی شبه‌جزیره نمود بیشتری پیدا کرد. در این میان برخی انگیزه‌هایی که در عربستان عصر جاهلی عامل تمایز یک محله‌ها یا شهرها از یکدیگر بود، دیگر باره در لباسی جدید ظهور و بروز پیدا کرد. البته این بار رنگ و لعاب دینی و مذهبی نیز به خود گرفته بود. لذا می‌توان مدعی شد در کنار دلایل پیش‌گفته، یکی دیگر از عواملی که در دوره اسلامی نقش قابل‌توجهی در شکل‌گیری محلات شهرها داشت، عامل دین و مذهب بود. این

وضع در عموم شهرهای ایران نیز به ایجاد محله‌هایی منجر شد که ساکنان آن اقلیت‌های دینی یا اهل ذمه بودند. افزون بر این از انتهای قرن اول هجری در نتیجه تضارب آراء و تفاسیر متعددی که از دین نوپای اسلام به وجود آمد، به تدریج مذاهب و فرق گوناگون کلامی - فقهی تشکیل شدند. بنابراین به تدریج عامل مذهب به یکی از مهم‌ترین عوامل همبستگی بدل شد و اثرات این تشتت فکری - عقیدتی در جامعه اسلامی در محله‌های شهرها نیز رخ عیان کرد. در چنین فضایی پیروان هر مذهب مانند شیعیان، شافعیان حنفیان و... در محله یا محله‌های خاص خود زندگی می‌کردند و به‌مرور زمان تشخص هویتی ویژه‌ای برای خود پیدا کرده بودند (بحری مقدم و یوسفی فر، ۱۳۹۲: ۱۱۱). در این میان نکته قابل توجه، وحدت محل زندگی و کسب پیشه‌وران و صاحبان حرف در این محله‌ها بود. نکته شایان توجه این است که در برخی مواقع با گسترش راسته‌های پیشه‌وری در محله‌ها کم‌کم محله‌های متنوع از حیث مشاغل و پیشه‌وران و پیروان ادیان و مذاهب گوناگون اسلامی شکل می‌گرفت. به عبارت عبارت دیگری در یک محله ممکن بود صاحبان مشاغل و پیشه‌وران پیرو یک مذهب اسلامی و افراد ساکن در محلات پیرو مذهب دیگر باشند. در واقع گسترش بازار و حرکت آن محلاتی را به وجود می‌آورد می‌آورد که ترکیب جمعیتی متفاوتی از حیث مذهبی داشتند یا اینکه ابتدا در محله‌ای یک صنف پیشه‌ور استقرار پیدا کرده بود و سپس ساکنان آن محل سکونت پیدا می‌کردند که بعضاً باهم تفاوت مذهبی داشتند و دکان‌های محل کار پیشه‌وران، روبروی منزل مسکونی آنان قرار داشت (یوسفی فر، ۱۳۸۲: ۴۸۹).

یکی از شهرهای که پژوهش حاضر به دنبال تبیین تأثیرگذاری نقش متفاوت مذهبی بر تضعیف اقتصاد پیشه‌وران آن است بغداد بود. پس از بنا نهادن بغداد و مستقر شدن خلفای عباسی آن به‌عنوان پایتخت، این شهر به تدریج در مدت‌زمانی کوتاه مرکز گروه‌ها، آئین‌ها و مذاهب متنوع شد. در این شهر، سنی، شیعه، نصارا، سریانی، نسطوری، یهودی، زرتشتی و صابئی زندگی می‌کرد. لذا بغداد شهری با تنوع مذهبی قابل توجه بود که در آن هر گروه یا پیروان هر فرقه، بر اساس اختلافات قومی و عقیدتی گاهی باهم تضادهایی پیدا می‌کردند. برای فهم ترکیب جمعیتی - مذهبی محله‌های بغداد و همچنین بازارهای هر محله و توسعه سازمان پیشه‌وری در این شهر، لازم است در ابتدا توصیفی از وضعیت جغرافیایی بازارها و محله‌هایی که پیروان هر مذهب در آن‌ها سکونت داشتند، ارائه شود. در بغداد در قرون طلایی حکومت عباسیان، مذاهب چهارگانه اهل سنت (شافعی، مالکی، حنبلی و حنفی) و شیعه اثناعشری دارای موقعیت و منزلت بالاتری بودند که از میان این مذاهب، حنبلیان در محله باب البصره و شیعیان در محله کرخ از همه نیرومندتر بودند. کرخ در سمت غربی دجله واقع شده و از محله‌های

دیگر آبادتر بود و محل سکونت پیشه‌وران و بازرگانان ثروتمند بود (اصطخری، ۱۳۴۰: ۸۵؛ ابن حوقل، ۱۹۳۸ م: ۲۴۱/۱ - ۲۴۲؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۶۶/۱). این محله از آغاز بنای بغداد محل سکونت شیعیان بود و به غیراز آن، محله‌های کوچک‌تر دیگری از جمله باب الطاق نیز به شیعیان اختصاص داشت. اصطخری در زمینه‌ی وجه‌تسمیه محله باب الطاق می‌گوید: «معنی باب الطاق منسوب است با طاقی عظیم کی در بازار بزرگ - کی آن را سوق الاعظم گفتندی - بود.» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۸۴). اما به‌طور کلی محل اقامت شیعیان و طرفدارانشان به‌طور متمرکز در بغداد، محله کرخ بود. در محلات غرب دجله از جمله «نهر القلائین»، «باب الشعیر»، «باب المحول» و خصوصاً محله «باب البصره» گروه مذهبی حنبلیان سکونت داشتند که مورد حمایت خلافت عباسی نیز بودند. این گروه عداوت و دشمنی زیادی با شیعیان داشتند و بیشتر درگیری‌های مذهبی میان اهل سنت و شیعه را این گروه به راه می‌انداختند. (حموی، ۱۹۹۵ م: ۴۴۸/۴). محله کرخ از دوره منصور به محلی برای استقرار بازارها تبدیل شد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۱۸). منصور در سال ۱۵۷ ه.ق به توصیه فرستاده روم و به دلایل امنیتی (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۱۹/۱۵؛ ابن عبدالحق بغدادی، ۱۴۱۲ ه.ق: ۱۱۵۶/۳). دستور داد بازارها را به باب الکرخ، باب الشعیر و المحول منتقل کنند. هزینه ساخت این بازارها را نیز منصور پرداخت کرد (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ ق، ۲۰۰۱ م: ۳۹۰/۱؛ طبری، ۱۳۷۵: ۴۹۱۴/۱۱). در دوران مهدی عباسی بازارهای باقی‌مانده، مانند بازار بطیخ (خریزه) نیز به محله کرخ منتقل شد. به این ترتیب کرخ به سرعت توسعه و رونق پیدا کرد تا جایی که در اوایل قرن سوم، آبادترین و پررونق‌ترین محله بغداد شد. در این نقل و انتقال‌ها نه تنها تجارتخانه‌ها و دکان‌ها، بلکه به تدریج محل سکونت تاجران و پیشه‌وران نیز به کرخ انتقال یافت و کرخ منطقه مسکونی با ترکیب جمعیتی مذهبی متفاوت نیز شد (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۲).

۲. منازعات مذهبی بغداد و خسارات اقتصادی به پیشه‌وران

بستر و فضای درهم‌تنیده بغداد از ابعاد مختلف و همچنین تنوع اقوام و مذاهب در این شهر، به دلیل وجود فقهیان، متکلمان و محدثان فرقه‌های مختلف اسلامی و تضارب آراء آن‌ها، امکان وقوع هر نوع درگیری عقیدتی و فرقه‌ای را به‌طور قابل توجهی افزایش داد. از سوی دیگر در دوره عباسی خلفا و کارگزاران آن‌ها، یعنی آل بویه و سلجوقیان با سیاست گذاری‌های مذهبی و جهت‌گیری به سمت مذهبی خاص، موجی از تنش و آشوب را در جامعه بغداد دامن زدند. مواردی از این جهت‌گیری‌های سیاسی را می‌توان در مواضع پیش رو مشاهده کرد؛ سیاست حمایت از حنبلیان از سوی متوکل و دستور وی مبنی

بر تخریب قبر امام حسین (ع) و دیگر علویان و همچنین تعقیب و آزار شیعیان (ابن تغری بردی، ۱۳۸۳، ق/ ۱۹۶۳ م: ۲۸۶/۲ و ۲۸۹). حمایت معزالدوله از شیعیان کرخ (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۰/ ۲۶۲). حمایت ضمنی معتضد از شیعیان و دستور لعن معاویه بر منابر (طبری، ۱۳۷۵: ۱۵/ ۶۶۷۵)، ممنوعیت عزاداری امام حسین (ع) از سوی القائم به درخواست اهل سنت بغداد (ابن تغری بردی، ۱۳۸۳، ق/ ۱۹۶۳ م: ۷/ ۷۷) این جهت‌گیری‌ها نمونه‌هایی از دخالت حکومت در منازعات فرقه‌ای بودند که نتایج ناگواری در عرصه‌های مختلف فرهنگی اجتماعی و همچنین اقتصادی به بار آوردند. فارغ از نتایج اجتماعی و فرهنگی و دیگر آسیب‌هایی که این تنازعات در پی داشت، در عرصه اقتصادی، اختلاف‌ها و تنش‌ها نتایج جبران‌ناپذیر و خسارت باری برای پیشه‌وران و صاحبان اصناف مختلف در پی داشت. از آنجاکه امنیت مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسئله در آرامش و رونق اقتصادی است این تنازعات اولین نشانه‌گیری‌شان به سمت اضمحلال امنیت و نبود اطمینان از سرمایه‌گذاری و تجارت برای کسب کار آرام و بازدهی مالی آن بود. در واقع دولت که خود می‌بایست بانی برپایی امنیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف ذاتی‌اش باشد تبدیل به مخل امنیت و برهم زننده آن می‌شد و این خود دوری هرچه بیشتر و فاصله گرفتن صاحبان حرف و پیشه‌وران از خلافت و حکومت را در پی داشت، ضمن آنکه پیشه‌وران را نیز در ابعاد اقتصادی و سیاسی در مقابل حکومت ناتوان می‌ساخت. همچنین توده مردم و جامعه آن عصر به دلیل وابستگی‌های فرقه‌ای و خونی و فرهنگی ویژه‌ای که با پیشه‌وران و صاحبان حرف داشتند در وهله اول به تدریج مخالف پیروان مذاهب دیگر می‌شدند و در وهله دوم نیز از حکومت فاصله می‌گرفتند چراکه عامل ایجاد افتراق و اختلاف میان خویشان پیشه‌ورشان با دیگر افراد جامعه و حتی خود آن‌ها شده بود. این اختلاف‌ها همچنین در عمل در رادیکال‌ترین حالت منجر به آتش گرفتن و نابودی اموال و مغازه‌ها، غارت دارایی‌ها و حتی کشته شدن پیشه‌وران می‌شد که در ادامه برای بین بهتر بحث به مواردی از آن اشاره خواهد شد.

۲. ۱ آتش‌سوزی و غارت بازارها

همان‌طور که اشاره شد در ساحت عمل اختلافات فرقه‌ای و عقیدتی و ترکیب‌های جمعیتی متنوع در محله‌های بغداد منجر به ایجاد درگیری‌هایی می‌شد، که در ادامه به بخشی از آن‌ها و پیامدهایی که به دنبال داشتند اشاره خواهد شد. درگیری میان محلات سنی نشین بغداد و محله‌های شیعه نشین، در موارد متعددی به غارت مراکز کسب و بازارهای این نواحی منجر می‌شد و به دنبال آن، محله‌ها و

بازارهای طرفین نیز به آتش کشیده می‌شد. این درگیری‌های مذهبی بخصوص در بغداد در دوره عباسی عباسی خسارات زیادی به اهالی بازار، که بعضاً خود نیز در آن نقش داشتند، وارد می‌کرد و اقتصاد شهر بغداد را دچار تلاطم می‌کرد. برای نمونه‌هایی از این دست می‌توان به موارد پیش رو استناد جست. اختلافات مذهبی میان محلات مختلف بغداد در سال ۳۱۹ ه.ق منجر به آتش‌سوزی‌های عمدی در محلات و بازارهای بغداد، از جمله چهارسوق «بلاشویه»، محله «ابن حصاص»، محله «دار عمار» و محله محله «کرخ» شد (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۱۹۴). در سال ۳۲۳ ه.ق نیز حنبلیان بغداد به بهانه تبعید رهبر مذهبی خود، «بربهاری»، بازارها و مغازه‌های پیشه‌وران محله باب الشام را غارت کردند و بازار پارچه‌فروشان کرخ را به آتش کشیدند (الصولی، ۱۹۳۵ م، ۱۳۵۴ ق: ۶۵؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م: ۱۳/ ۳۴۹). در موردی دیگر در دهم محرم سال ۳۵۳ ه.ق بازارهای بغداد بسته و به‌عنوان سوگواری عاشورا تعطیل گردید. به همین دلیل میان شیعیان و اهل سنت درگیری به وجود آمد که عده‌ای در آن مجروح شدند و اموال بازارها تاراج شد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۰/ ۲۷۱). در همین ساحت ابن مسکویه درباره حوادث سال ۳۶۱ ق می‌نویسد: «در میان‌پرده داران مردی بداخلاق پست به نام «صافی» که تعصب سنی‌گری داشت محله کرخ را که پایگاه شیعیان و بازرگانان بسیار بود به آتش کشید. این آتش‌سوزی گسترش یافت و آن‌قدر کالا را سوزانید که زیان مردم از آن بیش از خرابکاری سفیهان توده بود.» (مسکویه، ۱۳۷۶، ۳۷۱/۶). احتمال دارد این حمله در پی برگزاری مراسم عزاداری عاشورا اتفاق افتاده باشد (ابن تغری بردی، ۱۳۸۳ ق/ ۱۹۶۳ م: ۶۲/۴).

در سال ۳۶۳ ه.ق بار دیگر میان محله سوق الطعام که سنی بودند و محله کرخ، درگیری به دلایل مذهبی به وجود آمد و خسارت‌هایی را نیز به بار آورد. در این باره ابن اثیر آورده: «مردم بازار و خواروبارفروشان که اهل سنت بودند، زنی را بر شتری سوار کرده او را عایشه نامیدند. بعضی خود را طلحه و برخی هم خود را زبیر نامیدند و هر دو گروه به جنگ و ستیز پرداختند، و شعار می‌دادند و می‌گفتند: با یاران علی بن ابی‌طالب می‌جنگیم. و مانند این‌گونه شرارت‌ها» (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۱/ ۴۴). بار دیگر در همین سال (۳۶۳ ه.ق)، در درگیری سیاسی میان سبکتکین و عزالدوله بختیار بویه‌ای، اهل سنت که از سبکتکین حمایت می‌کردند و بختیار را حامی شیعیان کرخ می‌دانستند، به کرخ حمله کرده و برای دومین بار در این سال محله و بازار کرخ را به آتش کشیدند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۱/ ۴۹). فارغ از این آتش‌سوزی‌های که منشأ آن درگیری‌های فرقه‌ای بوده است ابن اثیر و ابن جوزی، در آثار خود به‌طور مکرر و در سال‌های متفاوت، به ذکر وقوع آتش‌سوزی در محله و بازار کرخ اشاره می‌کنند اما دلیل این آتش‌سوزی‌ها را ذکر نمی‌کنند. از جمله این آتش‌سوزی‌هایی که با علل نامشخص بوده‌اند می‌توان به

مواردی همچون سال ۳۰۶ ه.ق در کرخ (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۶۵/۱۹)، سال ۳۰۹ ه.ق در کرخ و باب الشام (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۷۱/۱۹؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م: ۱۳/ ۱۹۹). سال ۳۱۴ ه.ق در نهر الطابق از نواحی کرخ که در آن هزار مغازه و هزار خانه در آتش سوختند (ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م: ۱۳/ ۲۵۵) و سال ۳۷۱ ه.ق مجدداً در کرخ (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۳۶/۲۱). اشاره کرد. این موارد به بازاریان خسارات‌های اقتصادی قابل‌توجهی وارد ساخت. با توجه به سابقه آتش گرفتن بازار و محله کرخ به‌وسیله اهل سنت در درگیری‌های فرقه‌ای، می‌توان حدس زد که به‌احتمال زیاد این قبیل آتش‌سوزی‌ها نیز غیرمستقیم با آنان ارتباط داشته است چراکه اختلافات مذهبی مناسبات میان اهل سنت و شیعیان ساکن کرخه را به حد دشمنی صریح و بی‌پروا رسانده بود و به دلیل چالش‌های موجود انجام هر اقدامی از جانب یکی از طرف‌های درگیر در منازعه دور از تصور نبوه است. البته با توجه به رونق بازار کرخ، احتمال دست داشتن رقبای اقتصادی آنان نیز در این آتش‌سوزی‌ها قابل طرح است اما به علت تعدد این آتش‌سوزی‌ها و گزارش‌های متعددی که حکایت از شعله‌ور بودن اختلافات مذهبی در طی سالیان متمادی دارد می‌توان گفت فرضیه اول با داده‌های تاریخی قرابت بیشتری دارد. از طرف دیگر عدم وجود مدارک و مستندات مشخص درباره رقابت‌های اقتصادی پیشه‌وران بازارهای مختلف بغداد، این فرضیه را دچار چالش جدی می‌کند. این آتش‌سوزی‌ها و تخریب‌ها به تدریج موجب شد از رونق اقتصادی ناحیه غربی بغداد که «کرخ» در آن واقع بود کاسته شود. مقدسی در قرن چهارم ضمن اشاره به این وضعیت می‌گوید: «می‌ترسم روزی از بسیاری فساد و جهل و فسق و ستم دولت، مانند سامره شود.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۶۶/۱).

بنا به گزارش منابع، در سال ۳۶۴ ه.ق نیز اختلافات مذهبی و ورود عیاران شیعه‌مذهب به درگیری‌ها، باعث آتش گرفتن بازار و محله سنی نشین باب‌الشعیر شد (ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م: ۲۳۴/۱۴؛ ابن تغری بردی، ۱۳۸۳ ق/ ۱۹۶۳ م، ۱۰۷/۴-۱۰۸). در موردی دیگر در سال ۳۷۱ ه.ق در درگیری‌های فرقه‌ای بازار و محله کرخ در آتش سوخت (ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م: ۲۸۱/۱۴). در منازعه سال ۳۸۴ ه.ق بین اهالی کرخ و باب البصره، عیاران بغداد ضمن آتش زدن برخی محلات شیعه نشین، بازارها و محلات هر دو طرف درگیر در منازعه را تاراج کردند (ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م: ۳۶۹/۱۴؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۲۲/۲۱). بازار کرخ از بزرگ‌ترین بازارهای بغداد بود و نقشی مهم در اقتصاد این شهر داشت. لذا تخریب، غارت و یا آتش‌سوزی در این بازار هزینه اقتصادی هنگفتی را بر ساکنان این منطقه تحمیل می‌کرد. توصیفات یعقوبی درباره بازار بزرگ کرخ گویای اهمیت حیاتی این بازار در دوره عباسی است: «بازار بزرگ کرخ از «قصر وضّاح» تا «سه‌شنبه‌بازار» به طول دو فرسخ و از قطعه

زمین ربیع تا دجله به پهنای یک فرسخ امتداد دارد، و برای هر صنعتی از بازرگانان و هر نوعی از تجارت بازارهایی معین و در آن بازارها رسته‌ها و دکان‌ها و میدان‌ها است، چنانکه هیچ دسته‌ای به دسته دیگر و هیچ کسبی به کسب دیگر آمیخته نمی‌گردد و هیچ صنفی از کالا با صنفی دیگر فروخته نمی‌شود و هر صنفی از صنعتگران نیز با صنفی غیر خود آمیخته نمی‌گردند و هر بازاری جدا است و هر صنفی از کسبه تنها بکار خود مشغول‌اند و هر دسته‌ای از صنعتگران از غیر صنف خود جدا و برکنارند.» (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۱۷-۱۸).

در ادامه گزارش‌های دیگری را از این قبیل درگیری‌ها تا انتهای قرن پنجم هجری مرور خواهیم کرد. در سال ۴۰۶ ه.ق برگزاری مراسم عاشورا از سوی شیعیان کرخ واکنش اهل سنت ساکن در محله باب الشعیر را در پی داشت. در این درگیری بازارهای دو محله غارت شد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳۶۷/۲۱). در مقابل در سال ۴۱۷ ه.ق نظامیان ترک بغداد به بهانه حمایت از تسنن و تأدیب شیعیان کرخ، به این محله یورش بردند. در این یورش برخی از بازارهای کرخ آتش زده شد و عیاران بغداد نیز بقیه بازارها را غارت کردند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۶۸/۲۲). در سال ۴۲۲ ه.ق شخصی به نام «خزلیجی صوفی» تصمیم به غزا گرفت و به همین منظور از خلیفه اجازه خواست و عده‌ای را دور خود جمع کرد و در میان آن‌ها به ذکر فضائل ابوبکر و عمر پرداخت. سخنان او موجب خشم شیعیان کرخ و قیام علیه وی شد. اهل سنت نیز با کمک نظامیان ترک به مقابله با آن‌ها پرداختند. در این درگیری بازارهای «سوق العروس»، «سوق الأماما»، «سوق الصفارین»، و «سوق الدقاقین» در آتش سوختند و نابود شدند (ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م: ۲۱۴/۱۵). در همین سال (۴۲۲ ه.ق) نظامیان اهل سنت بغداد به پشتوانه حکومت، با شیعیان محله کرخ درگیر شدند و باعث آتش گرفتن بازارهای این محله گردیدند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۳۰/۱۹). در سال ۴۲۶ ه.ق نیز در پی اختلافات مذهبی، اهل سنت بازار عطاران کرخ را آتش زدند و اموال بقیه بازارها به‌وسیله عیاران غارت شد (ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م: ۲۴۶/۱۵). در سال ۴۵۰ ه.ق ساکنان و اهالی باب البصره علیه اهالی کرخ شورش کردند و کرخ را غارت نموده و درب الزعفران که از بهترین و معمورترین درب‌ها بود را سوزاندند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳۵۰/۲۲). در سال ۴۷۰ ه.ق، در بغداد، میان اهالی بازار مدرسه و بازار سه‌شنبه، به دلیل اختلافات مذهبی فتنه‌ای به پا شد و بازارهای دیگر را غارت کردند. در این زمان مؤید الملک پسر نظام الملک در بغداد اقامت داشت که شخصی را نزد عمید و شحنة بغداد فرستاد و آن‌ها به همراه لشکریان در محل حاضر شده و مردم را زدند. در نهایت تعدادی بین آن‌ها کشته و از هم جدا شدند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۸۴/۲۳). در سال ۴۷۹ ه.ق درگیری مذهبی میان ساکنان محله کرخ و باب البصره منجر به غارت بازارهای کرخ و آتش‌سوزی در آن‌ها شد (یافعی،

۱۴۱۷ ق: ۲/۳۰۷). در سال ۴۸۲ ه.ق نیز ساکنین محله باب البصره، به دلیل اختلافات مذهبی با اهالی محله کرخ درگیر شدند و علاوه بر آتش زدن محله و بازار کرخ، تلفاتی را بر آن‌ها وارد ساختند. این درگیری‌ها تنها با وساطت عمید بغداد کمال‌الملک ابی الفتح دهستانی پایان یافت (ابن کثیر، ۱۴۰۱ ق: ۱۲/۱۰۶؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۳/۱۴۶). چنانچه ملاحظه می‌شود درگیری‌های مذهبی در کرخ بیشتر از جاهای دیگر اتفاق می‌افتاد و تبعات منفی این درگیری‌ها در طول سده‌های چهارم و پنجم به شکل ناامنی رخ عیان می‌کرد و باعث فرار و از بین رفتن سرمایه‌ها در این محله می‌شد. در یک نمونه دیگر اراده یک فرد -آیتکین شحنه بغداد- در سال ۴۸۷ ه.ق منجر به آتش‌سوزی محله باب البصره شد. علت آن هم کشته شدن یکی از افرادش در این محله توسط فردی مخالف بود. اهالی کرخ نیز که وضع را مناسب دیدند به محله و بازارهای باب البصره یورش بردند و آنجا را آتش زدند و غارت کردند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۳/۲۱۵).

آن‌چنان‌که از شواهد پیداست اغلب این آتش‌سوزی‌ها میان پیروان مذاهب مختلف رخ می‌داده و تأثیر آن به بازار به‌عنوان یک بخش مهم، اثرگذار و جریان‌ساز از اجتماع کشیده می‌شده و ابعاد رادیکال رادیکال عملی به خود می‌گرفته است تا از این مجرا منجر به کاهش توان یا اضمحلال رقیب شود. در تحلیل این قبیل اختلافات و نتایج آن‌ها به‌ویژه در زمینه‌ی اقتصادی، باید به ابعاد گوناگونی از موضوع، چه در زمینه‌ی و علل وقوعشان و چه در پیامدهای مترتب بر آن‌ها چشم دوخت، تا بتوان تبیینی نزدیک‌تر به‌واقع از آن‌ها ارائه کرد. همان‌طور که پیش‌از این مورد اشاره قرار گرفت، دخالت‌های سیاسی و تحریکات مذهبی که حکومت برای استحکام و حفظ قدرت خود داشت، عاملی اصلی و اساسی در دمیدن کوره اختلافات و شعله کشیدن آن بود. خود این عامل چهار طبقه حاکمیت، متولیان مذهبی، پیشه‌وران و کاسبان و درنهایت جامعه را هر یک به نحوی درگیر در ماجرا و شرکت در اختلافات و تقابل‌های عملی پس‌از آن می‌کرد، که نمونه‌هایی از آن را پیش‌از این برشمردیم. البته در کنار این عامل باید به دلایل دیگری نیز توجه داشت. یکی دیگر از نهادهایی که ارتباطی مستقیم با شعله‌ور شدن یا مهار این اختلافات داشت، سازمان روحانیت و متولیان مذهبی بودند. در واقع با توجه به اهمیت و جایگاه روحانیون و متکلمان به‌عنوان متولیان اصلی مذاهب اسلامی و نیز نزدیکی مداوم و عمیقی که با بازاریان بازاریان و پیشه‌وران داشته‌اند، از نقش آن‌ها و میزان نفوذشان بر صاحبان حرف و پیشه‌وران در بازارها نباید غافل ماند. بی‌شک برخی از افراد متعصب و متصلب در این طبقه اجتماعی در برافروختن آتش این اختلافات و ترغیب پیروانشان به اقدام عملی نقش بسزایی داشته‌اند. البته این افراد اغلب علما و متکلمان متکلمان طراز چندم هر فرقه هستند و معمولاً روحانیون طراز اول و مراجع اصلی مذاهب توصیه

به‌اعتدال و مدارا می‌کرده‌اند. یک بعد دیگر ماجرا خود مردم و بازاریان و پیشه‌وران هر محله هستند که معمولاً چندان تمایلی به بحث و گفت‌وگو در ساحت نظری درباره اختلافات و تفاوت‌های مذهبی را ندارند و بیشتر تمایل به انجام اقداماتی عملی و عینی برای نشان دادن تعصب خود نسبت به باورهایشان و نیز برحق بودن فرقه متبوعشان دارند.

در کنار این عوامل انسانی نباید از نظر دور داشت بازار با توجه به شأنیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که در جوامع اسلامی داشته همواره ملجأ و پناهگاهی مطمئن برای طبقات مختلف جامعه بوده است و شاید خالی کردن این میدان اثرگذار و مهم از رقیب، برای تضعیف فرقه مقابل یکی از دغدغه‌های اصلی عامه مردم و بعضاً متولیان مذهبی نیز بوده است. این مسئله به‌ویژه در قرون چهارم و پنجم هجری با توجه به شأن علما و متکلمان برجسته شیعه و قدرت نفوذی که در جامعه به‌ویژه در میان بازاریان داشته‌اند و نیز قوت استدلال و مقام علمی آن‌ها در مجامع علمی آن زمان، به‌طور ملموس‌تری محل توجه می‌تواند باشد. با توجه به این مسئله و در کنار آن، جایگاهی که بازار کرخ در اقتصاد شیعیان داشته و ارتباط پیشه‌وران و کاسبان این بازار با علمای برجسته شیعه، مجموعه این عوامل می‌توانسته محرک‌های خوبی برای تخریب فضای مطلوب و روبه‌پیشرفت و نفوذ شیعیان باشد. به بیانی ساده‌تر این مجموعه هماهنگ با عقاید منسجم، حسادت و رقابت مخالفان را بیشتر برمی‌انگیخت. در چنین فضایی شیعیان به دلیل اقلیت بودن و باورهای مذهبی خاص خود، که خلاف مذاهب چهارگانه اهل سنت بود، بیشتر مورد هجوم قرار می‌گرفتند، که آتش‌سوزی‌های مداوم کرخ نشانه بارزی از آن است. گرچه مدرکی مستند صریحی درباره دست داشتن مستقیم برخی علما در برافروختن آتش این تنازعات نداریم اما با توجه به پیوند و نزدیکی پیشه‌وران با متولیان مذهبی و به‌طورکلی نقشی که مذهب و متولیان آن در میان بازاریان و پیشه‌وران داشته است، نمی‌توان بر روی تحریکات و القانات برخی اصحاب متعصب این طبقه چشم پوشید. به‌هرروی توسعه میدانی این اختلافات در بازار و تأثیر منفی آن‌ها بر قدرت اقتصادی و تجاری فرقه‌های مذهبی، کم‌کم موجب کوچ و جابه‌جایی بسیاری از پیشه‌وران و فاصله گرفتن آن‌ها از بازار به‌عنوان مکانی خطرناک که هر آن ممکن بود تمام سرمایه‌شان را نابود کند، می‌شد. همین مسئله به‌مرورزمان موجب ترس و وحشت بسیاری از پیشه‌وران و کاسبان شیعه محله کرخ و بازار مهم آن شد و این بازاریان ناامید از اصلاح وضعیت مجبور به ترک آنجا شدند و مهم‌تر از مسائل پیش‌گفته توان آن‌ها در مقابله با حکومت‌ها از طرفی و رقیبان مذهبی‌شان از طرف دیگر به‌شدت تضعیف می‌گشت. این مسئله تبعات ناگواری برای

طبقات اجتماعی وابسته به آن‌ها داشت و به‌طور کلی چرخه اقتصادی یک فرقه را می‌توانست تحت تأثیر قرار دهد.

کشتار پیشه‌وران

از دیگر تبعات منفی این تنازعات فرقه‌ای و مذهبی، کشته شدن پیشه‌وران و اعضای اصناف در محلات بغداد، به هنگام درگیری‌های بود. درباره این موضوع در منابع مختلف می‌توان روایت‌های متعددی را مشاهده کرد. باید توجه داشت با توجه به اینکه وجود نیروی انسانی ماهر در اقتصاد شهرهای پیشامدرن، از فاکتورهای مهم پیشرفت اقتصادی به حساب می‌آمد، این درگیری‌ها، در وهله اول، دو نوع هزینه سنگین را بر اصناف تحمیل می‌کرد؛ اول از بین رفتن نیروی انسانی ماهر و دوم هزینه‌های آموزش نیروی انسانی جدید که هرکدام از این دو پیامد در آن عصر زمان‌بر و بسیار هزینه‌ساز بودند. به‌طور کلی با توجه به اینکه در آن اعصار نیروی کار انسانی بسیاری از کارها را به انجام می‌رساند، از بین رفتن یک نیروی ماهر و جایگزین کردن نیروی جدید با همان مهارت‌ها، با توجه به شیوه‌های آموزشی زمان‌بر، بسیار طولانی می‌شد. در آن زمان در میان پیشه‌وران آموزش افراد از سن ۱۲ تا ۱۵ سالگی شروع می‌شد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۴۹). و ده سال طول می‌کشید تا شاگرد به مرتبه استادی برسد (اشرف، ۱۳۵۹: ۳۲). لذا در صورت کشته شدن افراد ماهر و متخصص یک حرفه، حداقل ده سال طول می‌کشید که افرادی با همان مهارت وارد چرخه تولید و توزیع شوند. حال اگر درصد فراوانی درگیری‌های فرقه‌ای و مذهبی را در طول یک قرن در نظر بگیریم (که در ادامه به‌صورت نمودار نشان داده خواهد شد) متوجه خواهیم شد که این درگیری‌های مذهبی، چه هزینه‌های انسانی فاجعه‌بار و سنگینی را بر پیشه‌وران تحمیل کرده است. از طرف دیگر هزینه‌های آموزش نیروی انسانی ماهر جدید بسیار سنگین و قابل توجه بود. استادی که در حرفه خاصی متخصص بود وظیفه داشت در طول ده سال رموز آن حرفه را به شاگردش آموزش دهد. حداقل هزینه‌های آموزش شامل موارد زیر می‌شد:

۱- زمان مفیدی که استاد در طول ده سال باید صرف آموزش شاگرد می‌کرد. ۲- هزینه /بزار و مواد/ اولیه کار که شاگرد در زمان یادگیری باید به مصرف می‌رساند. که همه این‌ها نشان از زمان طولانی آموزش و هزینه سنگین آن دارد. حال چنانچه ملاحظه می‌شود این هزینه‌ها در نتیجه اختلافات و درگیری‌های مذهبی نابود می‌شد و جامعه پیشه‌وری ناگزیر بود بار دیگر این هزینه‌های سنگین را در

طول سال‌ها و دهه‌های متمادی متحمل شود و پرداخت کند. این مسئله نیز به نوبه خود نتیجه‌ای جز تضعیف اقتصادی اصناف در مقابل حکومت نداشت. از سوی دیگر اگر زنجیره تولید یک کالای خاص در شهرهای دوره اسلامی بخصوص بغداد را در نظر بگیریم به اهمیت نیروی انسانی در اقتصاد پیشه‌وری این دوره پی خواهیم برد. یوسفی فر در پژوهش خود «ساختار اقتصاد شهری ایران در دوره سلجوقیان» با اشاره به صنعت نساجی، به تعداد زیاد پیشه‌وران مشغول به این حرفه در تخصص‌های مختلف اشاره می‌کند (یوسفی فر، ۱۳۸۲: ۴۱۲). بر اساس نتایج تحقیق این پژوهشگر حرفه نساجی دارای یک صد صنف (گروه تخصصی شغلی) بوده است. علاوه بر آن انجام مراحل مختلف تولید منسوجات، مستلزم همکاری سازمان‌یافته صاحبان حرف و مشاغل مختلف در شهرها بوده است که اگر حجم نیروی شاغل در این رشته تولیدی را در شهرهای بزرگ بخصوص بغداد دوره عباسیان در نظر آوریم با توجه به تعداد رشته‌های شغلی مختلف پیشه‌وری، اهمیت و جایگاه نیروی انسانی در اقتصاد شهری پیشامدرن مشخص و روشن می‌گردد (همان، ۴۱۳-۴۱۴). همچنین نشان می‌دهد که فقدان نیروی انسانی در اقتصاد شهری این دوره، تا چه اندازه در رکود اقتصادی می‌توانسته مؤثر باشد. صباح ابراهیم الشیخلی نیز که وضعیت اصناف و پیشه‌وران دوره عباسی را بررسی کرده است درزمینه‌ی تخصص‌های متنوع در حرفه‌های گوناگون می‌نویسد: «تقریباً در هر حرفه و پیشه تخصص‌های متنوع و مختلف مشاهده می‌کنیم: خیاطان دارای تخصص‌های گوناگون بودند از آن جمله است: رفوگران، قصاران، دقاقان، کلاهدوزها و طرازگران. نجاران نیز گروه‌هایی داشتند من جمله: نجاران چفت و بندساز و نجاران متخصص ساخت مراکب. شیرینی پزها دارای تخصص‌های بسیار بودند و هر دسته از آنان نوعی شیرینی می‌ساخت، برخی از ایشان فالوده می‌ساختند گروهی لوزینه و بعضی قطایف... در میان پزشکان گروه‌های چشم‌پزشک، شکسته‌بند، جراح، فصاد و دامپزشک می‌بینیم؛ حتی در میان موسیقیدانان نیز تخصص وجود داشت و در بین آن‌ها عود نواز، طنبورنواز و دفزن مشاهده می‌کنیم.» (الشیخلی، ۱۳۶۲: ۶۴).

اما به عنوان نمونه به مواردی از کشتار صاحبان حرف در ادامه اشاره می‌رود. در سال ۲۳۴ ه.ق در جنگ میان شیعیان و اهل سنت در بازار کرخ تعداد زیادی بازاریان کشته و برخی قبور نبش شد (ابن العماد، ۱۴۱۰ ق/ ۱۹۸۹ م: ۲۳۲/۴). در سال ۳۴۶ ه.ق درگیری مذهبی میان اهل سنت بغداد و ساکنان محله و بازار کرخ منجر به کشته شدن تعداد زیادی از طرفین شد (ابن کثیر، ۱۴۰۱ ق: ۱۱/ ۲۳۲). حمایت بازاریان کرخ از شورشیان شیعه در یکی از زندان‌های بغداد در سال ۳۶۲ ه.ق باعث شد که ابوالفضل شیرازی وزیر الطائع، گروهی را به همراه صافی حاجب برای جنگ با مردم کرخ بفرستد. آن‌ها

این محله را آتش زدند و تعداد زیادی از پیشه‌وران را به قتل رسانده و حدود سیصد مغازه آن‌ها را غارت و تخریب کردند. ابن اثیر آمار تلفات جانی و مالی در این حادثه را بسیار زیاد می‌داند: «عده کسانی که در آن آتش‌سوزی جان سپردند هفده هزار انسان و از اماکن سیصد دکان و بسیاری از ساختمان‌های مسکونی و سی‌وسه مسجد و اموال بی‌شماری از مردم، تلف شد و پاک بسوختند.» (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۴۰/۲۱). در درگیری سال ۳۸۲ ه.ق میان شیعیان کرخ و اهل سنت تعدادی از بازاریان کرخ کشته شدند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۱/۲۱). در سال ۳۹۱ ه.ق نظامیان ترک با اهالی کرخ درگیر شدند و در این میان اهل سنت به حمایت از نظامیان ترک پرداختند در نهایت تعداد زیادی از طرفین به قتل رسیدند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۱/۲۸). در سال ۴۳۷ ه.ق درگیری میان محله کرخ و باب البصره منجر به کشته شدن عده‌ای شد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۲/۲۳۵). در سال ۴۴۱ ه.ق اهالی کرخ از سوی حکومت از برپاداشتن مراسم عزاداری روز عاشورا منع شدند، اما زیر بار نرفته و آن مراسم را برگزار کردند و در نتیجه میان آن‌ها و اهل سنت درگیری به وجود آمد و در آن گیر و دار عده زیادی از مردم کشته و مجروح شدند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۲/۲۶۴). در درگیری‌های مذهبی سال ۴۴۵ میان اهل سنت و شیعیان کرخ، گروهی از سپاهیان سپاهیان ترک در حمایت از اهل سنت وارد منازعه شدند و ضمن حمله به بازار کرخ و تخریب و به آتش کشیدن آن، عده زیادی را نیز به قتل رساندند. شدت خسارات و درگیری‌ها به اندازه‌ای بود که اهالی کرخ مجبور شدند برای مدت کوتاهی به محلات مجاور پناه ببرند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۲/۲۹۶). در سال ۴۴۸ ه.ق رئیس الروسا وزیر القائم بامرالله دستور داد تا ابو عبدالله بن جلاب، رئیس صنف بزازان را که از شیعیان سرشناس محله باب الطاق بود به جرم غلو در تشیع، بر در مغازه‌اش به دار آویزند (ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م: ۸/۱۶).

در نهایت در پایان قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری شاهد کاهش درگیری‌ها و کنار گذاشتن اختلافات میان شیعه و اهل سنت هستیم. هرچند در گزارش‌های منابع به علل و دلایل کاهش این درگیری‌ها اشاراتی نشده است. ابن اثیر گزارش می‌دهد که بدون وساطت هیچ‌کسی اهالی کرخ و محلات سنی نشین بغداد از جمله باب البصره باهم صلح کردند. موضوع از این قرار بود که: «در ماه شعبان شعبان سنیان برای زیارت قبر مصعب بن زبیر آماده شدند. سال‌ها می‌گذشت که زیارت قبر مصعب را ترک کرده بودند و به خاطر فتنه‌هایی که ازین کار بر پا می‌شد، از اقدام به آن خودداری می‌کردند. هنگامی که برای رفتن به زیارت آمادگی یافتند متفقاً تصمیم گرفتند که راه خود را از محله کرخ بیندازند و این تصمیم خود را نیز آشکار کردند. اهل محله کرخ نیز متفقاً تصمیم گرفتند که با آنان مجادله نکنند و از حرکت آنان ممانعت ننمایند. سنیان اهل هر محله‌ای را جداگانه به راه انداختند و هر دسته‌ای از

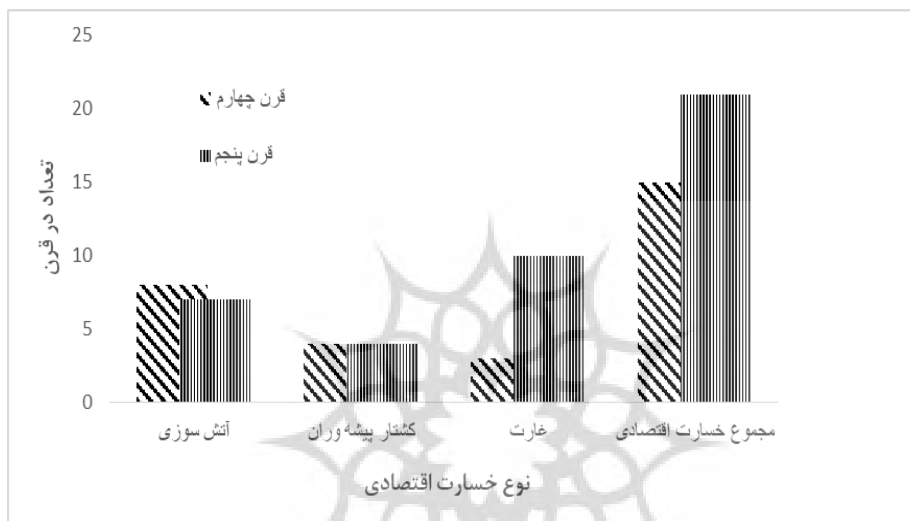
زیب و زیور و سلاح اشیاء زیادی با خود داشت. اهل محله باب- المراتب فیلی از چوب ساخته بودند و مردان مسلحی رویش نشسته بودند. عموم آن‌ها قصد داشتند که از محله کرخ عبور کنند. اهالی کرخ با بخور و عطریات و آب سرد و اسلحه بسیار به پیشباز آنان رفتند و از دیدن آنان اظهار شادمانی و سرور کردند. و همچنین آنان را بدرقه نمودند تا از محله بیرون رفتند. در شب نیمه شعبان نیز شیعیان عازم زیارت آرامگاه موسی بن جعفر شدند و هیچ‌یک از سنیان متعرض آنان نگردیدند به طوری که این موضوع موضوع همه مردم را به شگفتی انداخت.» (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۴ / ۱۰۹-۱۱۰). اما از قرن هفتم و همزمان با خلافت مستعصم این درگیری‌ها به صورتی وحشت‌انگیز دیگر بار زنده شد. در سال ۶۴۰ نزاع‌هایی میان محلّات مأمونیه و باب العصدی بر پاشد که به بازار نظامیه نیز کشیده شد، و میان مختاره و سوق السلطان، و همچنین قطفتا و قریه (در غرب بغداد) درگیری‌هایی به وقوع پیوست؛ عده زیادی به قتل رسیدند و دکان‌ها غارت شد.

در سال ۶۵۳ وضعیت سخت آشفته شده بود. میان رصافه (سنّی) و خضیرین (شیعه) نزاع بالا گرفت و چندی نگذشت که اهالی باب البصره به طرفداری از رصافه، و کرخ به حمایت از خضیرین برخاستند. این نزاع‌ها روحیه رقابت میان محلّات را که بر اثر عدم نظارت دولت شدت گرفته بود نیز نشان می‌دهد. هنگامی که نزاع میان کرخ و باب البصره دوباره شدت گرفت، سربازانی که برای متوقف ساختن آن اعزام شده بودند کرخ را چپاول کردند و این موضوع اوضاع را وخیم‌تر کرد. بحران در ۶۵۴، یعنی هنگامی روی داد که شخصی به دست اهالی کرخ به قتل رسید و توده‌های عامه به سربازانی که برای حفظ نظم فرستاده شده بودند پیوستند و کرخ را غارت کردند، چندین نقطه آن را به آتش کشیدند، جمع کثیری را کشتند، و زنان بسیاری را ربودند. این اعمال بدون مجازات نماند، ولی آن واقعه غم‌انگیز هرگز فراموش نشد. عیاران نیز در این زمان بسیار فعال بودند. آن‌ها دکانها را غارت می‌کردند و شبانه به خانه‌ها دستبرد می‌زدند (دوری، ۱۳۷۵: ۴۰-۴۱).

برآورد خسارات اقتصادی به پیشه‌وران در نتیجه منازعات مذهبی

در نمودار شماره ۱، میزان و نوع خسارات اقتصادی وارده بر پیشه‌وران در نتیجه منازعات مذهبی در قرن چهارم و پنجم در بغداد نشان داده شده است. بر اساس این نمودار که مطابق با اطلاعات منابع ترسیم شده است میزان درگیری‌های مذهبی در قرن پنجم نسبت به قرن چهارم افزایش یافته و به تبع آن خسارات اقتصادی بر پیشه‌وران نیز بیشتر شده است. در قرن چهارم در مجموع شاهد ۱۵ نزاع مذهبی

در ارتباط با محلات پیشه‌وران هستیم که در این نزاع‌ها میزان آتش‌سوزی‌ها به مراتب بیشتر از دیگر موارد بوده است. در این قرن، نزاع‌های مذهبی، در ۸ مورد منجر به آتش‌سوزی‌های وسیع شده است، ۴ مورد به کشته شدن پیشه‌وران و ۳ مورد آن نیز منجر به غارت و چپاول اموال بازارها بخصوص بازار محله کرخ شده است.



نمودار شماره ۱: مقایسه میزان خسارات جانی و مالی به پیشه‌وران در قرون چهارم و پنجم هجری

اما در قرن پنجم ۲۱ مورد نزاع مذهبی منجر به خسارت اقتصادی شده است که غارت و چپاول بازارها، نسبت به قبل افزایش قابل‌ملاحظه‌ای داشته و به ۱۰ مورد رسیده است. در دیگر شقوق تغییرات محسوسی رخ نداده و این نزاع‌ها در ۷ مورد به آتش‌سوزی و در ۴ مورد به کشته شدن پیشه‌وران منجر شده است. در منابع این دوره به جزئیات خسارت‌های اقتصادی اشاره‌ای نشده است اما با کنار هم گذاشتن سال‌هایی که در آن‌ها منازعات مذهبی، منجر به خسارت اقتصادی شده، متوجه خواهیم شد که در قرن چهارم به‌طور میانگین هر ۸ و نیم سال و در قرن پنجم هر ۸ سال یک‌بار نزاع مذهبی میان پیشه‌وران محلات بغداد منجر به خسارت اقتصادی زیان‌بار و قابل‌توجه شده است. با توجه به تعدد نزاع‌های مذهبی و همچنین سرعت کند پیشرفت اقتصادی در دوران پیشامدرن و زمان‌بر بودن

جایگزینی نیروی انسانی جدید، سرمایه‌های در گردش و همچنین اموال غارت‌شده، پیشه‌وران یا امکان بازسازی، احیا و تجدید منابع و مواد لازم را به‌سختی پیدا می‌کردند و یا هیچ‌گاه در اعاده وضع قبل توفیق نمی‌یافتند. در نتیجه می‌توان پیشامد وضعیت موردنظر را نوعی شکاف در تولید کالایی شهر و رکود در اقتصاد به‌حساب آورد. چراکه در این شرایط بحران قطع جریان طبیعی تولید پیش می‌آمد و منجر به کاهش نیروی کار مولد و ابزار کاری مؤثر می‌شد که به‌نوبه خود از مقدار کاری که برای تولید در دوره بعد ضروری می‌بود کاسته می‌شد و یک بحران اقتصادی مدت‌ها ادامه می‌یافت و به‌صورت مداوم تکرار می‌شد.

نتیجه

محلات شهری با مختصات خاص خود در دوره اسلامی متأثر از مسائل متعددی تشکیل و توسعه می‌یافتند. یکی از مهم‌ترین این مسائل، همگرایی یا واگرایی مذهبی میان طبقات اجتماعی ساکن در محله یک شهر بود. این افتراق یا اتحاد مذهبی به‌نوبه خود در تشکیل و توسعه بازارهای شهری در محلات مختلف شهرهای اسلامی نیز اثر فراوان می‌گذاشت. پیروان هر مذهب مانند شیعیان، شافعیان حنفیان و... در محله یا محله‌های خاص خود زندگی می‌کردند و محل زندگی آن‌ها با محل کسب‌وکار پیشه‌وران و صاحبان حرف، وحدت جغرافیایی داشت. در برخی مواقع نیز با گسترش راسته‌های پیشه‌وری در محله‌ها کم‌کم محله‌هایی متنوع از حیث مشاغل و پیشه‌وران و همچنین تنوع پیروان ادیان و مذاهب گوناگون اسلامی شکل می‌گرفت. نتایج پژوهش نشان داد این ترکیب جمعیتی و مذهبی مذهبی متنوع به‌ویژه در محله‌هایی که بازارهای مهم شهری در آن‌ها بود، متأثر از عوامل گوناگونی گرفتار آتش اختلافات مذهبی می‌شد و بدترین پیامد آن تعطیلی چرخه اقتصادی در یک شهر یا یک محله بود. ازجمله عوامل مؤثر بر ایجاد اختلافات مذهبی می‌توان به دخالت حکومت‌ها یا تحریک متولیان دینی و همچنین تمایل توده مردم و بازاریان به اقدامات عملی برای مقابله با جریان‌های رقیب کلامی اشاره کرد. دمیدن در کوره اختلافات مذهبی کم‌کم دامنه رادیکال عملی به خود می‌گرفت و آتش آتش آن به جان بازارهای اسلامی - که مهم‌ترین پناهگاه اجتماعی و فرهنگی مردم در آن اعصار بودند - بودند - می‌افتاد. همان‌طور که بررسی گردید محله کرخ که مهم‌ترین بازار بغداد نیز در آن بود ازجمله این محله‌ها بود که بارها و بارها در اثر این تنازعات مذهبی تخریب و به آتش کشیده شد. شاید یکی از دلایل عمده این اتفاقات برای این محله، وجود اقلیت شیعی و قدرت و نفوذ روحانیت حامی آن در عصر

طلایی عباسیان بود. به‌هرروی این اختلافات مذهبی بازارها را کم‌کم از رونق اقتصادی می‌انداخت و تجار تجار و کسبه و پیشه‌وران را از سرمایه‌گذاری و تزریق نیروی کار در آن‌ها دور می‌ساخت. به‌تدریج به‌تبع این مشکلات تضعیف مالی فرقه‌های درگیر نیز رقم می‌خورد که به‌نوبه خود تبعات منفی و زیانباری برای طبقات حامی آن فرقه‌ها داشت. داده‌های تاریخی نشان داد درگیری‌های مذهبی بغداد در دو قرن چهارم و پنجم هجری در سه حوزه منجر به تضعیف اقتصادی پیشه‌وران شده است: آتش‌سوزی بازارها، کشتار نیروهای ماهر پیشه‌ور و غارت مغازه‌ها و اموال پیشه‌وران. این درگیری‌ها ضمن آنکه موجب از بین رفتن نیروی انسانی ماهر می‌شد، هزینه‌های آموزش نیروی انسانی جدید را نیز بر پیشه‌وران و بازاریان تحمیل می‌کرد که هرکدام از این دو پیامد در آن عصر بسیار زمان‌بر و هزینه‌ساز بودند. درمجموع از دیگر نتایج این تنازعات، رکود تولید، از بین رفت اقتصاد شهری، ناامنی محله‌ها و محیط کسب‌وکار پیشه‌وران، ائتلاف منابع مالی، نیروی انسانی وسایل کسب‌وکار و درنهایت قحطی‌های موقتی بود. در طولانی‌مدت نیز تضعیف بنیه و توان اقتصادی سیاسی پیشه‌وران در مقابل دولت را در پی داشت. داشت.

منابع

- ابن اثیر جزری (۱۳۷۱)، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی، ابوالقاسم حالت، تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین أبو المحاسن یوسف (۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۳ م)، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، مصر: وزارة الثقافة.
- ابن العماد، شهاب‌الدین الحنبلی دمشقی (۱۴۱۰ ق / ۱۹۸۹ م)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت، دار ابن کثیر.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م)، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، درسه و التحقيق محمد عبدالقادر عطا، مصطفی عبدالقادر عطا، مراجعه و تصحیح نعیم زرزور، بیروت دارالکتب العلمیه.
- ابن حوقل، محمد (۱۹۳۸ م)، صورة الأرض، بیروت: دارصادر.
- ابن عبدالحق بغدادی، صفی‌الدین عبدالمومن (۱۴۱۲ ه.ق)، مرصد الإطلاع علی أسماء الأمكنة و البقاع، به تصحیح علی محمد بجاوی، بیروت: دارالجيل.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۱ ق)، البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۷۶)، تجارب الامم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: توس.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۰)، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اصفهانی، حمزه بن حسن (۱۳۴۶)، تاریخ پیامبران و شاهان (سنی الملوک الارض و الانبیاء)، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- احمدی، محمد قاسم (۱۳۸۸)، کرخ بغداد، پایگاه تشیع در سده‌های چهارم و پنجم هجری، تاریخ در آئینه پژوهش، سال ششم، شماره دوم، صص ۷-۳۶.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران: دوره قاجاریه، تهران: انتشارات زمینه.
- باستانی راد، حسن (۱۳۹۱)، کوی (محلّه) در شهرهای اسلامی سده‌های نخستین اسلامی، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۰، بهار و تابستان، صص ۱-۳۰.
- بحری مقدم، عباس و یوسفی فر، شهرام (۱۳۹۲)، عوامل اجتماعی فرهنگی در شکل‌گیری محلّه در شهر ایرانی اسلامی و کارکردهای آن، فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، بهار و تابستان، شماره ۱۷، صص ۱۰۱-۱۱۶.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نشرنقره.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵ م)، معجم البلدان، بیروت: دارصادر.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی بن ثابت (۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۱ م)، تاریخ مدینه السلام، المقدمه و الخطط بشار عواد معروف، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

- دوری، عبدالعزیز (۱۳۷۵)، بغداد، ترجمه اسماعیل دولتشاهی و ایرج پروشانی، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.
- شیخلی، صباح ابراهیم (۱۳۶۲)، اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالم زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- الصولی، ابی بکر محمد بن یحیی (۱۹۳۵ م/ ۱۳۵۴ ق)، الاوراق (اخبار الرازی بالله و المتقی لله او تاریخ الدوله العباسیه من سنه ۳۲۲ الی سنه ۳۳۳ هجریه)، تحقیق ج. هیورث. دن، بن قاهره: دارالکتب المصریه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- یافعی، عبدالله بن اسعد (۱۴۱۷ ق)، مراه الجنان و عبره الیقظان فی معرفه ما یعتبر من حوادث الزمان، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۵۶)، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۸۲)، ساختار اقتصاد شهری در ایران دوره سلجوقیان، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.